

فاطمه
دانشان
علیه السلام
علیض انظری خرم

به لطف خداوند، پس از سال‌ها تجربه حضور در پژوهشگاه دارالحدیث و همکاری با تنی چند از اساتید اهل تحقیق در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی می‌خواهم راوی یک قصه باشم. یک داستان، با پشتوانه پژوهشی از زندگی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها.

همان‌گونه که در مقدمه کتاب «داستان بریده بریده» عرض کردم، شما خوانندگان محترم وقتی گرم مطالعه این کتاب می‌شوید خیال مبارکتان راحت باشد سیاهه‌های بر روی کاغذ که از مقابل نگاهتان عبور می‌کند، به هیچ وجه خیالات و بافته‌های ذهنی نویسنده نیست. تلاش کردم به دور از خیال‌پردازی، قصه را براساس منابع کهن شیعه و سنی از قرن اول تا هشتم هجری بنویسم. البته گاهی به ضرورت پردازش داستان، برداشت‌هایی آزاد اما وفادارانه از کتاب‌های حدیثی و تاریخی داشته‌ام. همچنین تلاش کردم تا از منابعی بهره جویم که هویت تاریخی دارند و نویسندگان آنها، معین، سرشناس و از عالمان روشمند بوده‌اند، هرچند دیده نقد خود را بریکایک گزارشات آنان، باز نگاه می‌داریم.

خوش‌بختانه منابع متعدّد و قابل اتکایی از هشت قرن نخست به دست ما رسیده که به زندگی حضرت فاطمه سلام الله علیها پرداخته‌اند. گفتنی است که این منابع، از اعتبار یکسانی برخوردار نیستند؛ اما همه آنها قابلیت ارجاع و استناد را دارند و به وسیله پژوهش‌های تاریخی روشمند، قابل بررسی و پذیرش‌اند.

در اینجا اعتراف می‌کنم که خود را قادر نمی‌بینم ریز و درشت همه ماجراهایی که درباره حضرت فاطمه نگاشته‌اند را برایتان شرح دهم. اما تلاش می‌کنم وقایع مهمی که در خودم اثر ماندگاری گذاشت را نقل کنم. بنابراین لازم می‌بینم پیشاپیش از این بابت عذرخواهی کنم. امیدوارم شمای خواننده هم توجه داشته باشید که

هرچه از دستم برآمده انجام داده‌ام.

به پاس نام مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها دست مادر مهربان و عزیزتر از جانم سرکار خانم رعنا کرمی را می‌بوسم. اویی که نخستین آموزگارم بود. بانویی پاکدامن که صبورانه سال‌های سال تا به اکنون در تربیت و راهنمایی‌ام همت گماشته است. و صد البته یاد می‌کنم از پدرم مرحوم حاج سلیمان نظری خُترم، مرد درست‌کرداری که هم و غم اصلی‌اش در زندگی، مردم‌داری و کسب روزی حلال بود. امیدوارم روحش در جوار رحمت الهی شاد و متنعم باشد.

در پایان از همسرگرامی‌ام سرکار خانم دکتر زهرا اهواری بابت مشاوره‌های علمی در نگارش این اثر و همچنین ویراستاری زیبای این کتاب تشکر ویژه دارم.

هفدهم آذر ماه ۱۴۰۱ شمسی،

مصادف با سیزدهم جمادی‌الاول ۱۴۴۲ قمری

علیرضا نظری خُترم

حالا برویم سِروقتِ داستان